



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۲۰

- ۱: «زیرا پادشاهی آسمان صاحب باغی را می ماند که صبح زود بیرون رفت تا برای تاکستان خود کارگرانی به مزد بگیرد.
- ۲: او با آنان توافق کرد که روزی یک دینار بابت کار در تاکستان به هر یک پردازد. سپس ایشان را به تاکستان خود فرستاد.
- ۳: نزدیک ساعت سوّم دوباره بیرون رفت و عده ای را در میدان شهر بی کار ایستاده دید.
- ۴: به آنان نیز گفت: «شما هم به تاکستان من بروید و آنچه حق شماست به شما خواهم داد.»
- ۵: پس آنها نیز رفتند. باز نزدیک ساعت ششم و نهم بیرون رفت و چنین کرد.
- ۶: در حدود ساعت یازدهم نیز بیرون رفت و باز چند تن دیگر را بی کار ایستاده دید.
- از آنان پرسید: «چرا تمام روز در اینجا بی کار ایستاده اید؟»
- ۷: پاسخ دادند: «چون هیچ کس ما را به مزد نگرفت.»
- به آنان گفت: «شما نیز به تاکستان من بروید و کار کنید.»
- ۸: هنگام غروب، صاحب تاکستان به مباشر خود گفت: «کارگران را فرا خوان و از آخرین شروع کرده تا به اولین، مزدشان را بده.»
- ۹: کارگرانی که در حدود ساعت یازدهم به سر کار آمده بودند، هر کدام یک دینار گرفتند.
- ۱۰: چون نوبت به کسانی رسید که پیش از همه آمده بودند، گمان کردند که بیش از دیگران خواهند گرفت.
- اما هر یک از آنان نیز یک دینار دریافت کردند.
- ۱۱: چون مزد خود را گرفتند، لب به شکایت گشوده، به صاحب باغ گفتند:
- ۱۲: «اینان که آخر آمدند فقط یک ساعت کار کردند و تو آنان را با ما که تمام روز زیر آفتاب سوزان زحمت کشیدیم، برابر ساختی!»
- ۱۳: او رو به یکی از آنان کرد و گفت: «ای دوست، من به تو ظمی نکرده ام. مگر قرار ما یک دینار نبود؟»
- ۱۴: پس حق خود را بگیر و برو!
- من می خواهم به این آخری مانند تو مزد دهم.
- ۱۵: آیا حق ندارم با پول خود آنچه می خواهم بکنم؟ آیا چشم دیدن سخاوت مرا نداری؟»
- ۱۶: پس، آخرینها اولین خواهند شد و اولینها آخرین!»

اینجا عیسی معیار روحانی خدا را در مقابل معیار این دنیا نشان می دهد(۱). می گوید، «پادشاهی آسمان صاحب باغی می ماند». منظور از باغ همان دل ماست که روح القدس صاحب آن است(۲). می گوید، "صبح زود بیرون رفت تا برای تاکستان خود کارگرانی به مزد بگیرد". روح القدس عجله دارد تا پیام نجات را در دل ما بکارد ("صبح زود بیرون رفت"). سپس در آیه دوم، "با آنان توافق کرد که روزی یک دینار بابت کار در تاکستان به هر یک بپردازد". ما همه به گونه ای "دیناری" را خودمان در ایمان آوردن بدست آوردیم. آن را امروز "برکت خدا" می نامیم.

اما می گوید، "نزدیک ساعت سوم دوباره بیرون رفت"، و "باز نزدیک ساعت ششم و نهم بیرون رفت و چنین کرد". منظور اینست که خدا همیشه در تمام ساعات روز ما در کار است. صبح که بیدار می شویم، روز را در دعا با روح القدس آغاز می کنیم و کارمان را شروع می کنیم. یکی خانه داری می کند، یکی تحصیل می کند، دیگری خدمت به خدا می کند، همه را روح القدس هدایت می کند. حال، همه کار های ما برای خدا ایست که در خود ما جای دارد. هر چه بر او بگذرد، ما نیز دریافت خواهیم کرد.

البته در امتداد مثال باغبان (تاکستان) می گوید، "چون مزد خود را گرفتند، لب به شکایت گشوده" و "تو آنان را با ما که تمام روز زیر آفتاب سوزان زحمت کشیدیم، برابر ساختی"! یعنی چرا کسانی که بقدر ما تجربه ندارند، بیشتر از ما برکت می یابند. مانند آنست که اشعیا نبی بگوید، چرا ایمانداران آینده را بیش از من برکت دادی! البته اگر به معیار عیسی که هنوز روی صلیب مانده نگاه کنیم، این عادلانه نیست.

منظور روح القدس اینست که خدا گنجایش برداشت ما را از خودش می داند. آنچه برداشت شده باید هضم بگردد تا نان دیگری داده شود. خدا بیشتر از ما عجله دارد که پیام نجات بخش خودش را در ما ساکن سازد. اما، ابتدا زمینه کار هر موردی، باید ساخته شود، و آنوقت برکات دیگر سرازیر خواهند گردید. یادتان باشد که زندگی ما در دست روح القدس است که در ماست، و او ابدی است. ما را خدا چگونه که می خواهد می سازد.

اگر هر چه زودتر متوجه این حقیقت بشویم، حال که مسیحی هستیم، زندگی ما مال ما نیست، مال روح القدس است، که در ماست، آنوقت زندگی ما با مشکلات کمتری روبرو خواهد شد. متأسفانه معیار خدا در بعضی کلیسا ها نادیده گرفته شده، چون روح القدس به کلامش احتیاج دارد تا خواست خدا را انجام رساند (و همچنین دو یا سه نفر). البته خواست خدا در عهد قدیم نیز انجام می شد (دعا می کردیم و می گذاشتیم دست خدا). اما آن مذهب یهود (و تمام مذاهب) اینگونه رفتار می کرد. اما عیسی جانش را داد تا بتوانیم با حمایت از روح القدس، آنچه مسئله داریم را از طریق کلامش حل کنیم. روح القدس در همه ایمانداران هست، اما به هر یک می گوید "آتش روح را خاموش نکنید؛".

می گوید، "آیا حق ندارم با پول خود آنچه می خواهم بکنم؟" و "آیا چشم دیدن سخاوت مرا نداری؟". اینجا عیسی فرق میان دو معیار زندگی (روحی) که در میان است را مشاهده می کنیم. ابتدا روح القدسی که در ماست، معیار خود را در برداشت از خدا دارد (تمام ابعاد ما را می شناسد). موضوع جنبه روحانی دارد که تنها به پایداری ما نیازمند است، نه از قضاوت. دوم، خدا "سخاوتمند است"، و در نتیجه هر که سخاوت او را در ایماندار دیگری دیده، می خواهد آنرا نیز بچشد. ولی آیا به آنچه دریافت کرده است رضایت دارد؟ آیا تجربه از آن دارد؟ بسیاری پس از چند سال تجربه، دیگر اهمیت به آن نمی دهند. روح القدس گفته بکو بید و بجوئید، به شما داده خواهد شد. البته در صورتی که بخواهید.

## متی ۲۰

۱۷: هنگامی که عیسی به سوی اورشلیم می رفت، در راه،  
دوازده شاگرد خود را به کناری برد و به ایشان گفت:

۱۸: «اینک به اورشلیم می رویم.

در آنجا پسر انسان را به سران کاهنان و علمای دین تسلیم خواهند کرد.

آنها او را به مرگ محکوم خواهند نمود

۱۹: و به اقوام بیگانه خواهند سپرد تا استهزا شود

و تازیانه خورد و بر صلیب شود.

اما در روز سوم بر خواهد خاست».

خدا برنامه خود را همیشه از قبل روشن می سازد. چرا...؟ چون زمینه را فراهم می سازد. می خواهد مسیر راه را بدانیم. دنیا، آینده را نمی بیند، چون محدود بر مکتب این دنیاست، اما ما مسیحیان روح القدس را داریم که تا ابد زنده خواهد ماند، و جان جسمانی ما تنها بخاطر خواست اوست که زنده نگاه داشته می شود. خدای ما خدای سلامتیست، نه ناسلامتی. ناسلامتی نیز، مقداری به ارث می رسد، و مقدار دیگر از مسائل و مشکلات زندگی که شفای روح القدس را دریافت نکرده اند، به آن اضافه می گردند. هر چه خلاف خواست خدا زندگی کنیم، پاداش شیطان را بدست خواهیم گرفت. دو راه زندگی بیش نیست. راه خودمان، اگر مطابق کلام خدا نبوده باشد (یقیناً روح القدس هشدار را داده)، راه شیطان است (گشاد و عریض). درست است که بدن ما معبد روح القدس است، اما بدن روزی در آینده خواهد مرد. عیسی می خواهد هشیار باشیم که جان ما مطعلق به ما نیست. خدا بی نهایت است، و ما را بی نهایت می شناسد. به این شکل می خواهد جان فانی مان را از خود دور کنیم و در ملکوت روحانی او زندگی را بسر ببریم.

- ۲۰: آنگاه مادر پسران زبیدی با دو پسرش نزد عیسی آمد و در برابر او زانو زد و از وی درخواست کرد که آرزویش را برآورده سازد.
- ۲۱: عیسی پرسید: «آرزوی تو چیست؟»  
گفت: «عطا فرما که این دو پسر من در پادشاهی تو، یکی بر جانب راست و دیگری بر جانب چپ تو بنشینند».
- ۲۲: عیسی در پاسخ گفت:  
«شما نمی دانید چه می خواهید!  
آیا می توانید از جامی که من به زودی می نوشم، بنوشید؟»  
پاسخ دادند: «آری، می توانیم».
- ۲۳: عیسی گفت:  
«شکی نیست که از جام من خواهید نوشید،  
اما بدانید که نشستن بر جانب راست و چپ من  
در اختیار من نیست تا آن را به کسی ببخشم.  
این جایگاه از آن کسانی است  
که پدرم بر ایشان فراهم کرده است».
- ۲۴: چون ده شاگرد دیگر از این امر آگاه شدند، بر آن دو برادر خشم گرفتند.
- ۲۵: عیسی ایشان را فرا خواند و گفت:  
«شما می دانید که حاکمان دیگر قومها بر ایشان سروری می کنند  
و بزرگانشان بر ایشان فرمان می رانند».
- ۲۶: اما در میان شما چنین نباشد.  
هر که می خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود.
- ۲۷: و هر که می خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد.
- ۲۸: چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند،  
بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را  
چون بهای رهایی  
در راه بسیاری بنهد».

اینجا دوباره روح پیشتازی به میان آمد، "دو پسر من در پادشاهی تو، یکی بر جانب راست و دیگری بر جانب چپ تو بنشینند". اما آنچه عیسی مربوط به زندگی خود گفته بود (۱۶: ۲۱ تا ۲۳) را برداشت نکرده بودند، و جواب را همانگونه داد، "آیا می توانید از جامی که من به زودی می نوشم، بنوشید؟". ببینید چند بار این موضوع را به نحوه های مختلف به شاگردانش آموزش می داد. منظور از تکرار در کلام خدا نشان اهمیت و عمق زیادی است که در زندگی روحانی ما دارد. این سه نفر (مادر و دو پسر) می خواستند رئیس، پادشاه، سر لشکر و یا غیره بگردند. ببینید عیسی از فرست استفاده کرد و گفت، "شما می دانید که حاکمان دیگر قومها بر ایشان سروری می کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می رانند اما در میان شما چنین نباشد".

صحبت از حاکم می کند. حاکم ما کیست .....؟ روح القدس است که جان ما را از شیطان خرید. می گوید، "اما در میان شما چنین نباشد". چرا ....؟ چون معیار خدا در زندگی فرزندان، با معیار دنیایی که در آن زندگی می کند، فرق زیادی دارد. مانند فرق میان شب و روز است. می گوید، "هر که می خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود". مانند نوکر شما! ("هر که می خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد"). شاه کجا و نوکر کجا! بله ما مسیحیان مانند نوکران عیسی در این دنیای از جلال افتاده زندگی می کنیم، ولی با این وجود خدا را شکر می کنیم و او را می پرستیم! چرا ....؟ چون نجات از بند شیطان، و روح القدس را که درون خود داریم، بر هر چه باشد یا نباشد برتر است. حیات جاودان را خدا اینگونه فاش می نماید. معیار روح القدس در ما این است، "هر که می خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد". اگر این حکم را نادیده بگیریم، روح القدس را محزون کرده و میوه شیطان را بدست می آوریم. شک نداشته باشید. دو روح بیش نیست و دو راه زندگی بیش نیست. راه میانه شخصی خودتان نیست. یا از خدا اطاعت می کنیم یا از شیطان. هر چه زودتر با این موضوع آشنا بشویم، مسائل روحانی زندگی ما (سد معبرها) کمتر خواهند شد. تازه خدا می گوید به نفع ماست(۳).

و اینجا عیسی کل موضوع زندگی خود را بیان می کند، "چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بدهد". عیسی آمد میان ما (کلمه انسان شد) تا ما را خدمت کند، و رفت تا روح القدس ما را همانگونه هدایت نماید. الگوی ما عیسی مسیح است. مسیحیان عموماً بگونه خودشان عیسی را خدمت می کنند. هشدار به کسانیست که می خواهند خود نمائی کنند و از خدا سواستفاده کنند. ممکن است همه را گول زد، ولی خدا را نه. بقول معروف، بالاخره گوشتو میگیره. شیطان را فراموش کرده.

## متی ۲۰

۲۹: هنگامی که عیسی و شاگردانش آریحا را ترک می کردند،

عده زیادی از پی او روانه شدند.

۳۰: در کنار راه، دو مرد کور نشسته بودند.

چون شنیدند عیسی از آنجا می گذرد،

فریاد برآوردند: «سرور ما، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»

۳۱: جمعیت آنان را عتاب کردند و خواستند که خاموش باشند؛

اما ایشان بیشتر فریاد برمی آوردند که:

«سرور ما، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»

۳۲: عیسی ایستاد و آن دو را فرا خواند و پرسید: «چه می خواهید برای شما بکنم؟»

۳۳: پاسخ دادند: «سرور ما، می خواهیم چشمانمان باز شود».

۳۴: عیسی دلسوزانه چشمان آنها را لمس کرد

و در دم بینایی خود را باز یافتند و از پی او روانه شدند.

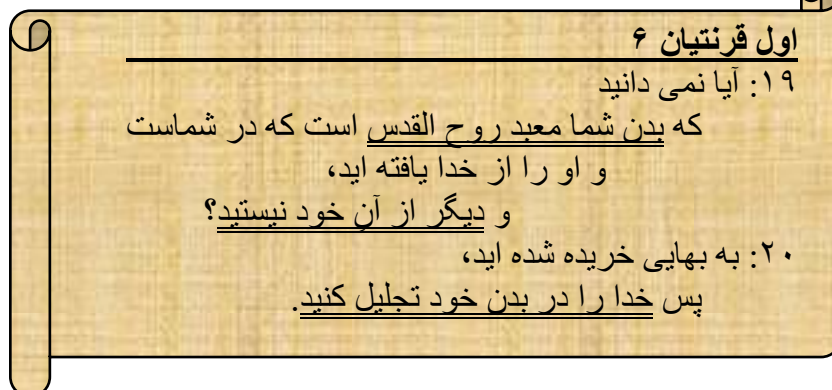
اینجا دوباره، عیسی برکت وجودش را در میان مردم نشان می دهد، "فریاد برآوردند: «سرور ما، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»". رحمت خدا از طریق روح القدس بدست می آید. رحمت خدا نیز همان شفا است، چه روحی چه جسمی. همه گناه کار به دنیا آمدیم، و رحمت خدا، یکایک گناهان را از طریق روح القدس پاک می سازد. خواستند و کوبیدند و جوئیدند. می گویند، "سرور ما، می خواهیم چشمانمان باز شود". جالب

است که عیسی نه تنها چشمان جسمانی‌شان را باز کرد، بلکه چشم دلشان را نیز باز کرد، "و در دم بینایی خود را بازیافتند و از پی او روانه شدند". زمانی که چشم دل باز می‌گردد، فرزند، خدا را می‌بیند و او را می‌خواهد. "عیسی دلسوزانه چشمان آنها را لمس کرد". بیاد داشته باشید که خدا بیشتر از ما می‌خواهد شامل وجود ما بگردد.

## فهرست زیر نویس های فصل بیستم

(۱) در خصوص متی ۱۸: ۱ تا ۱۶، تفسیر های مختلفی وجود دارد (اسپرچن، جی آدامز، غیره). ما مشاوران مسیحی که امروز به وجود روح القدس و منظوری که دارد آشنا هستیم، تفسیر عملی این آیات را بکار می‌بریم.

(۲)



(۳) مزمور ۱۰۳: ۲ می‌گوید، "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهایش را فراموش مکن!".